



تألیف: ابوالحسن نجفی
موضوع: عروض عروضی

یک قاعده منسوخ عروضی

در شماره چهارم سال یازدهم (زمستان ۱۳۵۴) «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی» مقاله بسیار جالبی از آقای جلال خاچی مطابق با عنوان «قواعد و ضوابط تصحیح متن شاهنامه» هست که در ضمن آن به یک قاعده عروضی اشارتی رفته و به حق یادآوری شده است که در «شاهنامه» فردوسی حرف آخر بعضی از کلمات اگر مشدد باشد به حساب عروض در حکم دو حرف است و آنرا نباید «سکته شعری» دانست، زیرا این سکته‌ها همگی اصیل و اصلی و از خود شاعر است» (ص ۷۲۸).

انبته لفظ «سکته» در عروض اصطلاحی عامی نیست و چون فقط به احساس ذهنی شنوندگان، آهنگ شنوندگان امروز، مربوط می‌شود باید آنرا از مرز اصطلاحات «عاطفی» دانست که در بحث عروض عامی که با اصول و موازین دقیق ریاضی وار سروکار دارد - اجتناب از آنها اولی است. در این فرصت کوتاه خواستم یادآوری کنم که این مورد خاص مربوط به قاعده‌ای است که در قرون نخستین هجری (و چه بسا تا اواسط قرن ششم) کاملاً رایج بوده و چون بعداً منسوخ شده است تصور امروز ما این است که شعر «سکته» دارد. بعنوان مثال چند بیت ذیل را از «دیوان ناصر خسرو» (به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳) شاهد می‌آورم که در همه آنها حرف مشدد آخر کلمه در حکم دو حرف است:

فرومایه چون سیر خورده بباشد همه عیب جوید همه شر^ه کاود
 ص ۵۲۹

شش هزاران در^ه در گیسو کشید سرخ وزرد و بسی نظام و بانظام
 ص ۲۶۳

باز باید شدن از شر^ه سوی خیر به طبع

کز فرازی سوی گو گوی به طبع آید باز

ص ۱۱۲

سیر^ه تو دیگر بد آشکار دگر سیر^ه یکی بود و آشکار مرا

ص ۱۲۵

چنان که ملاحظه می شود در همه این مثالها بعد از حرف مشدد حرف صامت آمده است و درست همین قاعده بعد از مشسوخ گردیده است ، زیرا اگر به دنبال حرف مشدد ، حرف مصوت بیاید بدیهی است که وزن دچار «سکته» نمی شود ، چنان که حرف آخر کلمه «سیر» در مصراع اول از آخرین بیت مثالهای فوق مشدد است اما چون بدنبال آن کسره اضافه ، یعنی حرف مصوت ، آمده است امروز هم عادی و «طبیعی» جلوه می کند فقط از آن رو که این قاعده هنوز هم رایج است .

قواعد عروض ، مثل قواعد دستور زبان ، تابع «قرارداد» اهل زبان است ، یعنی امری است وضعی و اعتباری ، نه طبیعی و ذاتی ، که به مرور زمان تحول و تغییر می یابد . بنابراین اگر زمانی قاعده ای در عروض رایج بوده و بعداً بر اثر تحول از رواج افتاده باشد نباید تصور کرد که در هر دوره ای شنوندگان شعر باشند یا خواندن آن احساس «سکته» می کرده و آن را خصوصیتی «غیر طبیعی» یا «نامطبوع» می شمرده اند .

و اما در جای دیگر همان مقاله آمده است : «عبارات مشدد و خشن آهنگ [مانند] ... پَرعقاب و غیره از نظر آهنگ ادا به مراتب حماسی تر است

Table des matières

Titres	Auteurs	Page
Le <i>Milnâni</i> de Ferdousi, premier pas vers des recherches érudites. ۵۸۹	Dr. Maïni, prof. de lang. et litté.	۱۳۳
La littérature technique et son engagement avec... «...» (ص ۷۲۸).	Dr. Sabudi, prof. de lang. et litté.	۱۳۴
La métaphore dans le <i>Coran</i>	Dr. Alavi-Mohaddam, prof. de lang. et litté. persanes.	۱۳۵
Un coup d'œil sur...	Dr. Zarehshahi, prof. assistant de lang. et litté. persanes.	۱۳۶
La valeur des mots dans la poésie de Hâfiz.	G. Fallah-Rostigâr, maître de conférences de lang. et litté. persanes.	۱۳۷
Les changements phonétiques dus à la "loi du "loi du moindre effort" dans le persan parlé.	R. Zarehshahi, maître de conférences de linguistique.	۱۳۸
L'évolution du " <i>Milnâni</i> " " <i>Nilûlar</i> ".	Dr. Mahabadi, chargé de cours de lang. et litté. persanes.	۱۳۹
Le travail, élément de la formation de l'homme.	Dr. Mutaharidi, chargé de cours de lang. et litté. persanes.	۱۴۰
Comment et pourquoi faire de la philosophie ?	Travail par Gh. 'Arifalâni	۱۴۱
" <i>Sâki-Nâma</i> " dans la littérature persane	Gh. Zarehshahi	۱۴۲
Une règle oubliée de la prosodie	Ab. Nadjafi	۱۴۳

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Sous la direction du Comité de Rédaction.

Les articles représentent les opinions de leurs auteurs et sont imprimés selon l'ordre de leur tenue à l'Administration de la Revue.

Abonnement : \$ 5.00

Adresse : Faculté des Lettres et Sciences Humaines, Mashhad, Iran.
Imprimerie de l'Université Ferdousi (Mashhad).